

رابطه مؤلفه‌های دشواری تنظیم هیجان با نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی

خلیل اسماعیل پور^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه مؤلفه‌های دشواری تنظیم هیجان با نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی در بین دانشجویان انجام شده است. جامعه آماری متشکل از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز بود. نمونه آماری شامل ۳۰۰ نفر از دانشجویان بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از جامعه فوق انتخاب شد. روش تحقیق از نوع همبستگی بود. از شرکت‌کننده‌ها خواسته شد که مقیاس دشواری تنظیم هیجان (DERS) و پرسشنامه ویژگی‌های شخصیت مرزی (STB) را تکمیل کنند. داده‌های به دست آمده با روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شد. نتایج تحلیل نشان داد که بین نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی با مؤلفه‌های دشواری تنظیم هیجان (به جز مؤلفه عدم آگاهی هیجانی) رابطه معنادار وجود دارد. نتایج رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که از بین مؤلفه‌های دشواری تنظیم هیجان، مؤلفه‌های «عدم دسترسی به راهبردهای تنظیم هیجان» و «دشواری در کنترل تکانه» می‌توانند نشانه‌های شخصیت مرزی را به طور معناداری پیش‌بینی کنند ($p < 0.05$). بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند با تأکید بر نقش هیجانات و مؤلفه‌های دشواری تنظیم هیجان در اختلال شخصیت مرزی، در تشخیص و درمان افراد دچار این اختلال مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: شخصیت مرزی، دشواری تنظیم هیجان، راهبردهای تنظیم هیجان

مقدمه

اختلال شخصیت مرزی^۲ یکی از شایع‌ترین اختلالات شخصیت است که با آشفتگی اساسی در عملکرد عاطفی و اجتماعی مشخص می‌شود. این اختلال، الگوی فراگیر مزمی از ناتوانی در زمینه‌های عاطفی، رفتاری، روابط بین‌فردی، هویت و شناخت را دربرمی‌گیرد (لیب، زانارینی، شیمال، لینهان و بوهاس^۳، ۲۰۰۴). ویژگی‌های افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی عبارتند از: روابط متزلزل، رفتارهای پرخطر، زیاده‌روی در مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، خشم بی‌جا، آسیب رساندن به خود، احساس سوچی، و ترس از تنها ماندن (لینهان، ۱۹۹۳). نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی به شدت با استرس در ارتباط است

Email: Khalil_sma@yahoo.com

^۱. دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۲. borderline personality disorder

^۳. Lieb, Zanarini, Schmahl, Linehan & Bohus

و طبق نظر چاپمن، دیکسون - گوردون و والترز^۱ (۲۰۱۱) تمرکز بر حالات هیجانی این اختلال اهمیت زیادی دارد. این افراد هیجانات منفی بیشتر و هیجانات مثبت کمتری تجربه می‌کنند، در شناسایی، تمیز و یکپارچه کردن هیجانات خود و دیگران مشکل دارند (کونکلین، برادلی، و وستن^۲، ۲۰۰۶)، در شرایط ناکامی، سه برابر پرخاشگری بیشتری نشان می‌دهند، تنوع خلقی بالاتری دارند، عاطفه‌ی منفی و نوسانات هیجانی بیشتری نشان می‌دهند (رایش^۳، ابنر - پریمیور^۴، تسچاچر^۵، بوهاس و لینهان، ۲۰۰۸). در نتیجه، این افراد به جای مقابله‌ی مؤثر، به طیف وسیعی از فرارهای نامیدانه مثل اعمال تکانشی یا خودویرانگری متوسل می‌شوند (اسکودول، گاندرسون، فول، ویدیگر، لیوسلی و سیور^۶، ۲۰۰۲؛ رایش و همکاران، ۲۰۰۸).

پژوهشگران به نقش مهم تنظیم هیجان^۷ در سازش با وقایع تنیدگی‌زای زندگی تأکید می‌کنند. تنظیم هیجان بر به کار گماشتن افکار و رفتارهایی که در هیجان‌های آدمی تأثیر می‌گذارند، دلالت دارد و می‌تواند آگاهانه یا ناآگاهانه، زودگذر یا دائمی و رفتاری یا شناختی باشد (آیزنبرگ، فابس، گاتری و ریسر^۸، ۲۰۰۰). عدم تنظیم هیجان می‌تواند باعث رفتارهای مشکل‌آفرینی همچون خشونت باشد؛ خشم نسبت به اطرافیان یا خشم نسبت به خود از ویژگی‌های شخصیت مرزی است (لینهان، ۱۹۹۳). مطالعات نقش مهارت‌های درک و مدیریت هیجان را در اختلال شخصیت مرزی (ین، زلاتنک، و کاستلو^۹، ۲۰۰۲) و رابطه رابطه جنبه‌های مختلف هوش هیجانی، از جمله ثبات هیجانی و مدیریت هیجان با کاهش نشانه‌های این اختلال مثل تکانشگری و احساس پوچی (گاردنر، کوالتر و ترمبلای^{۱۰}، ۲۰۱۰) نشان داده‌اند. برخی از پژوهش‌ها (آستین، رینیولو و پورگس^{۱۱} (۲۰۰۷) نشان دادند افراد مبتلا به این اختلال، دارای نقص در تنظیم هیجان هستند و تعدادی از صاحب‌نظران علیرغم عدم تجانس نشانه‌های این اختلال، نظر کلی‌شان بر این است که شاید بدتنظیمی هیجانی مشخصه‌ی این اختلال باشد (سانیسلو^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۲؛

1. Chapman, Dixon-Gordon & Walters

2. Conklin, Bradley & Westen

3. Reisch

4. Ebner-Priemer

5. Tschacher

6. Skodol, Gunderson, Pfohl, Widiger, Livesley & Siever

7. emotion regulation

8. Esienberg, Fabes, Guthrie & Reiser

9. Yen, Zlotnick & Costello

10. Gardner, Qualter & Tremblay

11. Austin, Riniolo & Porges

12. Sanislow

کونکلین و همکاران، ۲۰۰۶؛ شارپ، پین، ها، ونتا، پاتل، استورک، فانکی^۱، ۲۰۱۱).
با توجه به اینکه مطرح شده است که مشخصه‌های اختلال شخصیت مرزی از جمله بی‌ثباتی عاطفی، پرخاشگری نامناسب و شدید نشانگر مشکلاتی در فرایند پردازش هیجان هستند و مشکلات افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی در روابط بین فردی و آسفتگی در هویت ممکن است با ناتوانی در ابراز، استفاده و مهار هیجان‌ها ارتباط داشته باشد، و با توجه به نظر متخصصان (لینهان و دکستر-مازا^۲، ۲۰۰۸) درخصوص درخصوص مشکل تنظیم هیجان‌ها در پاتولوژی شخصیت مرزی، به نظر می‌رسد درک آسیب‌شناسی به-ویژه مؤلفه‌های بدتنظیمی هیجانی در این اختلال می‌تواند در تدوین و اجرای درمان‌های مؤثر راهگشای درمانگران باشد. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد است رابطه مؤلفه‌های دشواری تنظیم هیجان با نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی را بررسی نماید.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات همبستگی است. جامعه آماری متشکل از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال ۱۳۹۶ بود. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، از دانشکده‌ها و کلاس‌ها انتخاب شد. براساس نظر تاباچنیک و فیدل^۳ (۲۰۰۷) درباره تحقیقات همبستگی که در آن‌ها از روش رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود، حجم نمونه ۳۰۰ نفر تعیین شد. داده‌ها با استفاده از ابزارهای زیر جمع‌آوری شد.

مقیاس ویژگی‌های شخصیت مرزی (STB)^۴: این مقیاس بخشی از پرسشنامه‌ی صفات اسکیزوتایی و مقیاس صفات شخصیت مرزی است که توسط کلاریج^۵ و بروکز^۶ در سال ۱۹۸۴ ساخته شده است. محمدزاده، گودرزی، تقوی و ملازاده (۲۰۰۵) با انطباق نسخه ویرایش شده این آزمون با ملاک-های راهنمای تشخیصی و آماری (DSM-IV)، مقیاس ۲۰ ماده‌ای را برای سنجش اختلال شخصیت مرزی معرفی کردند که به صورت بلی/خیر (بلی با نمره ۱ و خیر با نمره صفر) پاسخ داده می‌شود. ضریب پایایی به وسیله بازآزمایی در فاصله ۴ هفته برای کل مقیاس شخصیت مرزی ۰/۸۴ و ضریب آلفای کل مقیاس ۰/۷۷ گزارش شده است.

1. Sharp

2. Dexter-Mazza

3. Tabachnik & Fidell

4. borderline personality scale

5. Claredge

6. Broks

فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

مقیاس دشواری تنظیم هیجان (DERS)^۱: این ابزار توسط گراتز^۲ و رومر^۳ (۲۰۰۴) طراحی شده و یک مقیاس ۳۶ ماده‌ای است که دارای یک نمره کلی و ۶ نمره اختصاصی برای ابعاد دشواری در تنظیم هیجان است. این زیرمقیاس‌ها عبارتند از: عدم پذیرش هیجان‌ها (عدم پذیرش)، ناتوانی در به کارگیری رفتارهای متناسب با هدف (اهداف)، مشکل در کنترل تکانه (تکانه)، عدم آگاهی هیجانی (آگاهی)، دسترسی کم به راهبردهای تنظیم هیجانی (راهبردها)، نبود شفافیت هیجان (شفافیت). نحوه پاسخ‌دهی به این مقیاس براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت است. ثبات درونی این مقیاس (با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳) و پایایی بازآزمایی آن مناسب گزارش شده است.

یافته‌های پژوهش

شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی مؤلفه‌های دشواری تنظیم هیجان و شخصیت مرزی در جدول ۱ آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های دشواری تنظیم هیجان (به جز «عدم آگاهی هیجانی») با نشانه‌های شخصیت مرزی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

جدول (۱): میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی دشواری تنظیم هیجان و نشانه‌های شخصیت

متغیرها	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. عدم پذیرش	۱۴/۶۶	۵/۵۴						
۲. اهداف	۱۴/۸۹	۴/۶۱	.۵۲**					
۳. تکانه	۱۵/۸۳	۵/۱۹	.۵۷**	.۷۱**				
۴. آگاهی	۱۳/۳۸	۳/۴۳	-.۱۸**	-.۲۷**	-.۲۸**			
۵. راهبردها	۲۰/۸۹	۷/۰۸	.۶۷**	.۶۷**	.۷۰**	-.۲۴**		
۶. شفافیت	۱۰/۷۸	۳/۶۵	.۲۸**	.۲۰**	.۲۶**	.۳۵**	.۳۴**	
۷. شخصیت مرزی	۷/۷۱	۳/۸۹	.۳۶**	.۳۷**	.۴۵**	.۰۳	.۵۳**	.۲۷**

** $p < 0.01$

برای بررسی نقش مؤلفه‌های تنظیم هیجان در پیش‌بینی اختلال شخصیت مرزی، از رگرسیون چندگانه استفاده شد. لازم به ذکر است با توجه به اینکه شاخص‌های Tolerance و VIF (جدول ۲) در مورد هیچ یک از متغیرهای پیش‌بین به ترتیب کمتر از ۰/۱ و بیشتر از ۱۰ نبود، از مفروضه چندمخطی تخطی نشده و می‌توان از رگرسیون چندگانه استفاده کرد. نتایج نشان داد که مدل رگرسیون پیش‌بینی این اختلال از

1. Difficulty in Emotion Regulation Scale

2. Gratz

3. Roemer

فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

روی مؤلفه‌های تنظیم هیجان معنادار بوده ($p = 0/001$; $F = 15/665$) و مؤلفه‌های تنظیم هیجان توانستند ۳۲/۷ درصد تغییرات مربوط به اختلال شخصیت مرزی را پیش‌بینی کنند ($R^2 = 0/327$). ضرایب رگرسیون در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول (۲): ضرایب رگرسیون پیش‌بینی اختلال شخصیت مرزی از روی مؤلفه‌های دشواری تنظیم هیجان

متغیرها	ضرایب غیراستاندارد			ضرایب استاندارد			شاخص‌های چندمخطی	
	B	SE	Beta	t	p	Tolerance	VIF	
عدم‌پذیرش	-0/039	0/048	-0/056	-0/824	0/411	0/524	1/908	
اهداف	-0/034	0/063	-0/041	-0/550	0/583	0/424	2/358	
تکانه	0/143	0/059	0/191	2/415	0/016	0/376	2/661	
آگاهی	-0/129	0/067	-0/114	1/917	0/056	0/689	1/542	
راهبردها	0/226	0/046	0/412	4/883	0/000	0/346	2/894	
شفافیت	0/047	0/063	0/044	-0/736	0/426	0/663	1/507	

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که از بین مؤلفه‌های دشواری تنظیم هیجان، مؤلفه عدم دسترسی به راهبردهای تنظیم هیجان ($Beta = 0/191$) و دشواری در کنترل تکانه ($Beta = 0/412$)، هر دو با اثر معنادار مثبت، قادر به پیش‌بینی نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی رابطه مؤلفه‌های دشواری تنظیم هیجان با نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی نشان داد که دو مؤلفه عدم دسترسی به راهبردهای تنظیم هیجان، و دشواری در کنترل تکانه‌ها می‌توانند اختلال شخصیت مرزی را پیش‌بینی کنند. این یافته با نتایج تحقیقات قبلی (برای مثال، هوکهازن، لورنز و نیومن^۱، ۲۰۰۲؛ محمودعلیلو و همکاران، ۱۳۹۱) همسو است. مطالعه هوکهازن و همکاران (۲۰۰۲) بر روی زنان زندانی مبتلا به اختلال شخصیت، تکانشگری بالای این افراد و پژوهش محمودعلیلو و همکاران (۱۳۹۱) نقش معنادار راهبردهای تنظیم هیجان در اختلال شخصیت مرزی را نشان داده است. در تحقیق آن‌ها مشخص شد که ارزیابی مجدد (به عنوان یکی از مؤلفه‌های راهبردهای تنظیم هیجان) با صفات شخصیت مرزی شامل ناامیدی، تکانشگری و علائم تجزیه‌ای رابطه معکوس دارد. جمع‌بندی مطالعات قبلی (روزنتال^۲ و همکاران (۲۰۰۸) بیانگر این است که این افراد بی‌ثباتی هیجانی شدیدی دارند، به این معنا که در برابر محرک‌های محیطی، با حساسیت بسیار بالا و برانگیختگی شدید (تکانشگری بالا) واکنش نشان می‌دهند و بازگشت‌های تأخیری به خط پایه‌ی برانگیختگی هیجانی از ویژگی

1. Hochhausen, Lorenz & Newman

2. Rosenthal

فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

واکنش این افراد است. همچنین نشان داده شده است که افراد دارای نشانه‌های شخصیت مرزی هنگام مواجهه با طرد اجتماعی واکنش‌پذیری خیلی بالایی دارند و به دنبال القای ترس، تکانشگری بیشتری نشان می‌دهند (گلن و کلونسکی^۱، ۲۰۰۹). رابطه بین مؤلفه‌های مربوط به شخصیت مرزی و افکار خودکشی (ولیکانی و فیروزشاهی، ۱۳۹۴) و همچنین رابطه بین نشخوار فکری و نشانه‌های شخصیت مرزی (آفتاب و همکاران، ۱۳۹۳) در جمعیت غیربالینی (دانشجویان) و نقش معنی‌دار هیجان‌خواهی و سیستم بازداری رفتاری در نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی (محمودعلیلو و همکاران، ۱۳۹۲) تأییدی بر این مدعا است. افراد شخصیت مرزی به منظور کاهش عواطف منفی از راهبردهای غیرانطباقی تنظیم هیجان (مثل نشخوار فکری، سرکوبی هیجان و اجتناب تجربی) استفاده می‌کنند (کارپنتر و ترال^۲، ۲۰۱۳).

پژوهشگران متعددی معتقدند که اختلال شخصیت مرزی به واسطه نارسایی‌های معنادار در توانایی درک و تنظیم هیجان‌ها و خلق مشخص می‌شود. آنها مشخصه‌های اختلال شخصیت مرزی به‌ویژه بی‌ثباتی عاطفی و پرخاشگری را مشکلات مربوط به فرایند پردازش هیجان می‌دانند. مشکلات اجتماعی این افراد و آشفتگی هویتی آنها با ناتوانی در ابراز، استفاده و مهار هیجان‌ها و به عبارت دیگر، با تنظیم هیجانی آنها ارتباط دارد. بیماران مبتلا به شخصیت مرزی در مقایسه با گروه‌های دیگر شدت و عمق بیشتری از هیجان‌ها و یا نوسانات بیشتری در تجارب هیجانی تجربه می‌کنند. در کل، مجموعه تحقیقات نشان دهنده ماهیت هیجانی اختلال شخصیت مرزی هستند. همچنین برای تبیین نتایج پژوهش حاضر می‌توان به نظرات لینهان (۱۹۹۳) اشاره کرد. لینهان بیان می‌کند که بدکارکردی و بدتنظیمی در محیط بی‌اعتبارساز هیجان، در پیدایش یا پدیدآیی مرضی اختلال شخصیت مرزی نقش دارد. علاوه بر مدل زیستی اجتماعی لینهان، این تحقیق با مدل زیستی اجتماعی تحولی کراول^۳، بوجین^۴ و لینهان (۲۰۰۹) نیز قابل تبیین است. آن‌ها بر آسیب‌پذیری بیولوژیک کودکان در تعامل با ویژگی‌های مراقب، که به تشدید تظاهرات هیجانی مفرط و تقویت بی‌ثباتی هیجانی منجر می‌شود، تأکید دارند و دشواری در کنترل رفتارهای مرتبط با هیجان و مشکل در تنظیم رفتارهای مربوط به رسیدن به اهداف ناوابسته به خلق را از ویژگی‌های این اختلال توصیف می‌کنند.

تنظیم هیجان نقش مهمی در سازگاری افراد با وقایع استرس‌زای زندگی دارد (آیزنبرگ و همکاران، ۲۰۰۰). ظرفیت افراد در تنظیم مؤثر هیجان‌ها بر شادمانی روان‌شناختی، جسمانی و بین فردی تأثیر می‌گذارد (کلینگر^۵، ۱۹۹۳؛ ریف و سینگر^۶، ۱۹۹۶). ضعف راهبردهای تنظیم هیجان نیز با پریشانی روان‌شناختی مرتبط است و مشکلات سازگاری بعدی فرد را پیش بینی می‌کند (گارفنسکی و کرایج^۷، ۲۰۰۹). طبق یافته این تحقیق، عدم

1. Glenn & Klonsky

2. Carpenter & Trull

3. Crowell

4. Beauchaine

5. Klinger

6. Ryff & Singer

7. Garnefski & Kraaij

فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

دسترسی به راهبردهای تنظیم هیجان از جمله مشکلات اساسی این افراد است. تحقیقات دیگر که سازه‌های مشابه از جمله سرکوبی هیجان و ارزیابی مجدد را بررسی کرده‌اند، به این امر اذعان دارند که مشکلات مربوط به سرکوب کردن هیجان در این افراد، مانع سازگاری و یا پاسخ‌های مقابله‌ای مؤثر می‌گردد. به بیان دیگر، افرادی که روش تنظیم هیجان از نوع سرکوب ابراز هیجان را به کار می‌برند، همیشه در حال نظارت بر رفتار خود هستند. این فرایند نیازمند صرف انرژی زیادی است که می‌تواند منابع شناختی را کاهش دهد. همچنین ضعف در ارزیابی مجدد می‌تواند در ایجاد و تداوم اختلال‌های هیجانی و شخصیتی از جمله اختلال شخصیت مرزی مؤثر باشد (گراس، ۲۰۰۱). براساس نتایج این پژوهش و پژوهش‌های قبلی و مطابق با نظر لینهان و دکستر-مازا (۲۰۰۸) می‌توان گفت که هسته اصلی آسیب‌شناسی اختلال شخصیت مرزی، مشکل در تنظیم هیجان‌ها و از آن جمله عدم دسترسی به راهبردهای تنظیم هیجان، و دشواری در کنترل تکانه‌ها است. بنابراین، به نظر می‌رسد پیامدهای مربوط به بدتنظیمی هیجانی در این افراد به صورت بی‌ثباتی عاطفی، روابط آشفته، اشکال در کنترل خشم، تکانشگری، تمایلات خودکشی و جرح خویشتن نمود می‌یابند. البته مطالعات بعدی می‌توانند به تصریح بیشتر این موارد کمک نمایند. همچنین با توجه به موارد فوق، می‌توان تنظیم هیجان را به عنوان هدف مفیدی برای کاهش علائم اختلال شخصیت مرزی در نظر گرفت و با طراحی مطالعات پیامدی، یافته‌های این تحقیق را در کنار مطالعات بالینی مبتنی بر تنظیم هیجان برای درمان مبتلایان اختلال شخصیت مرزی، مورد تحلیل قرار داد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به استفاده از ابزارهای خودسنجی بر روی گروه غیربالینی (دانشجویان) و ماهیت همبستگی اشاره کرد لذا باید در استناد علی به نتایج احتیاط شود و در تعمیم نتایج به گروه بالینی بیماران مبتلا به اختلال شخصیت، ملاحظات مدنظر قرار گیرد. البته بهتر است نتایج در گروه‌های بالینی مبتلایان به اختلال شخصیت مرزی نیز بررسی گردد.

منابع

- آفتاب، رویا؛ تقی‌لو، صادق؛ و کربلایی محمد میگونی، احمد (۱۳۹۳). تفاوت‌های جنسیتی در مدل ساختاری شخصیت مرزی، راهبردهای تنظیم هیجانی و خشونت خانگی. *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۳۴، ۱۶-۷.
- محمدزاده، علی؛ گودرزی، محمدعلی؛ تقوی، سیدمحمدرضا؛ و ملازاده، جواد (۱۳۸۴). بررسی ساختارعاملی، روایی، پایایی و هنجاریابی مقیاس شخصیتی مرزی (STB) در دانشجویان دانشگاه شیراز. *اصول بهداشت روانی*، ۲۸(۲۷-۲۸)، ۷۵-۸۹.
- محمودعلیلو، مجید؛ قاسم پور، عبدالله؛ عظیمی، زینب؛ اکبری، ابراهیم و فهیمی، صمد (۱۳۹۱). نقش راهبردهای تنظیم هیجانی در پیش‌بینی صفات شخصیت مرزی. *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۲۴، ۱۸-۹.
- محمودعلیلو، مجید؛ هاشمی، تورج؛ جانی، ستاره؛ و پوراسمعی، اصغر (۱۳۹۲). پیش‌بینی الگوهای شخصیت خوشه «ب» براساس هیجان‌خواهی و سیستم‌های مغزی-رفتاری. *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۲۸، ۷۶-۶۷.
- ولیکانی، احمد؛ و فیروزشاهی، علی (۱۳۹۴). پیش‌بینی افکار خودکشی بر اساس مولفه‌های شخصیت مرزی و اسکیزوتایپی در دانشجویان علوم پزشکی، *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۳۷، ۶۶-۵۷.

Austin, M. A., Riniolo, T. C., & Porges, S. W. (2007). Borderline Personality Disorder and

- Emotion Regulation: Insights from the Polyvagal Theory. *Brain and Cognition*, 65(1), 69-76.
- Carpenter, R. W. & Trull, T. J. (2013). Components of emotion dysregulation in borderline personality disorder: a review. *Current Psychiatry Reports*, 5(1), 335.
- Chapman, A. L., Dixon-Gordon, K. L., & Walters, K. N. (2011). Experiential Avoidance and Emotion Regulation in Borderline Personality Disorder. *Journal of Rational-Emotive and Cognitive-Behavior Therapy*, 29(1), 35-52.
- Conklin, C. Z., Bradley, R., & Westen, D. (2006). Affect Regulation in Borderline Personality Disorder. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 194(2), 69-77.
- Crowell, S. E., Beauchaine, T. P. & Linehan, M. M. (2009). A Biosocial Developmental Model of Borderline Personality: Elaborating and Extending Linehan's Theory. *Psychological Bulletin*, 135(3): 495-510.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A., Guthrie, I. K., & Reiser, M. (2000). Dispositional emotionality and regulation: Their role in predicting quality of social functioning. *Journal of personality and social psychology*, 78(1), 138-157.
- Gardner, K. J., Qualter, P., & Tremblay, R. (2010). Emotional functioning of individuals with borderline personality traits in a nonclinical population. *Psychiatry Research*, 176(2-3), 208-212.
- Garnefski, N., & Kraaij, V. (2009). Cognitive emotion regulation questionnaire-development of a short 18- item version (CERQ-short). *Personality and Individual Differences*, 41(6), 1045-1053.
- Glenn, C. R. & Klonsky, E. D. (2009). Emotion dysregulation as a core feature of borderline personality disorder. *Journal of Personality Disorder*, 23(1), 20-28.
- Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multifidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the Difficulties in Emotion Regulation scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 26(1), 41-54.
- Gross, J. J. (2001). Emotion regulation in adulthood: timing is everything. *Current Directions in Psychological Science*, 10(6):214-219.
- Hochhausen, N. M, Lorenz, A. R., & Newman, J. P. (2002). Specifying the impulsivity of female inmates with borderline personality disorder. *Journal of Abnormal Psychology*, 111(3), 495-501.
- Klinger, E. (1993). Clinical approaches to mood control. In D. M. Wenger & J. W. Poennebaker (Eds.) *Handbook of mental Control* (pp. 344-369). Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Lieb, K., Zanarini, M. C., Schmahl, C., Linehan, M., & Bohus, M. (2004). Borderline Personality disorder. *Lancet*, 364, 453-461.
- Linehan M. M. (1993). *Cognitive-behavioral treatment of borderline personality disorder*. New York: The Guilford Press.
- Linehan, M. M., & Dexter-Mazza, E. T. (2008). Dialectical Behavior Therapy for Borderline Personality Disorder. In D. H. Barlow (Ed.), *Clinical handbook of psychological disorders: a step-by-step treatment manual* (pp. 365-420). New York, NY: The Guilford Press.
- Reisch, T., Ebner-Priemer, U. W., Tschacher, W., Bohus, M., & Linehan M. M. (2008). Sequences of emotions in patients with borderline personality disorder. *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 118(1), 42-48.
- Rosenthal, M. Z., Gratz, K. L., Kosson, D.S., Cheavens, J.S., Lejuez, C.W. & Lynch, T. R.

فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی

ویژه‌نامه اولین کنفرانس دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸

- (2008). Borderline personality disorder and emotional responding: a review of the research literature. *Clinical Psychological Review*, 28(1):75-91.
- Ryff, C. D., Singer, B. (1996). Psychological well-being: Meaning measurement, and implications for psychotherapy research. *Psychotherapy and psychosomatics*, 65(1), 14-23.
- Sanislow, C. A., Grilo, C. M., Morey, L. C., Bender, D. S., Skodol, A. E., Gunderson, J. G., Shea, M. T., Stout, R. L., Zanarini, M. C., & McGlashan, T. H. (2002). Confirmatory factor analysis of DSM-IV criteria for borderline personality disorder: finding from the collaborative longitudinal personality disorders study. *The American Journal of Psychiatry*, 159 (2), 284-290.
- Sharp, C., Pane, H., Ha, C., Venta, A., Patel, A. B., Sturek, K. & Fonagy, P. (2011). Theory of Mind and Emotion Regulation Difficulties in Adolescents with Borderline Traits. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 50(6), 563-573.
- Skodol, A. E., Gunderson, J. G., Pfohl, B., Widiger, T. A., Livesley, W. J., & Siever, L. J. (2002). The borderline diagnosis I: psychopathology, comorbidity, and personality structure. *Biological Psychiatry*, 51(12), 936-950.
- Tabachnik, B. G. & Fidell, L. S. (2007). *Using multivariate statistics*. Boston, Pearson / Aliyn & Bacon.
- Yen, S., Zlotnick, C., & Costello, E. (2002). Affect regulation in women with borderline personality disorder traits. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 190(10), 693-696.

